فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و سوم. تابستان ۱۳۹۷، صص۸۳-۶۷ Vol 2. No 23. 2018, p 67-83
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

سیاست تقنینی ایران در بررسی اهداف مجازات‌ها در جرائم جنسی

امیر حسین خلج معصومی[۱]. ناصر قاسمی[۲]
۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی. ایران
۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی. ایران

چکیده
انسان از گذشته دور در جرایم جنسی همواره سعی کرده شدیدترین کیفر را برگزیند. با بررسی قوانین تصویب شده در ارتباط با جرایم جنسی خواهیم دید که قانون گذار چه سیاست های جنایی در مقابل این جرم برگزیده، مبنا و علت تغییر رفتار قانون گذار در هر برهه زمانی را بررسی خواهیم کرد و خواهیم دید که این تغییر نگرش در قانون گذاری تحت تاثیر چه عوامل اجتماعی، فردی و تحت تاثیر کدام مکتب از مکاتب کیفری است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جرایم جنسی با تحولات گسترده ای همراه بوده است. دراین پژوهش با بررسی تحولات ایجاد شده در خصوص جرایم جنسی به دنبال یافتن این مطلب می باشیم که تحولات ایجاد شده چه می باشد و بر چه اساسی صورت پذیرفته است و چه عاملی باعث شده است پس از دو دوره قانونگذاری اینک احساس لزوم در بازنگری قوانین در خصوص این دسته از جرایم به وجود آید.
با نگاهی اجمالی به مبانی جرم انگاری و همچنین بررسی تحولات ایجاد شده در خصوص جرایم جنسی همانند زنا، لواط، مساحقه، تفخیذ و ادله اثبات جرایم جنسی، متوجه خواهیم شد تحولات ایجاد شده بیش از آن که براساس اصول و مبانی روشنی صورت گرفته باشد؛ متأثر از مقتضیات زمان و مکان و حرمت تنفیر و نگاه های حقوق بشری بوده است؛ به عبارتی شرایط جهانی، زمانی و مکانی لزوم تغییر در این زمینه را خواستار بوده است.
واژه‌های کلیدی: سیاست تقنینی، جرائم جنسی، انواع مجازات

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

مقدمه

جرایم جنسی از جمله جرایمی هستند که قدمتی به ازاي عمر بشریت دارند. جرم جنسی در ادوار مختلف وجود داشته و ارتکاب آن جامعه را به واکنش وا می دارد که این واکنش همواره در قالب کیفر بوده که در هر دوره به اقتضاء شرایط خاص آن از شدت و ضعف برخوردار است.

سیاست جنایی کشورمان در رویارویی با این گروه از جرایم، با بهره گیري از سیاست جنایی اسلام الگوي کیفري را برگزیده است. در این الگو از میان سه مدل سزادهنده، اصلاح و درمان و ترمیمی، غلبه با مدل سزادهنده با رویکرد بازدارندگی است. این رویکرد چه در مقررات پیش و چه در مقررات پس از انقلاب وجود داشته لیکن با پیروزي انقلاب اسلامی و حکومت مقررات فقهی، این سلطه فزونی یافته است .با پیروزي انقلاب اسلامی و لزوم انطباق قوانین جزایی با مقررات شرعی، برخی رفتارهاي جنسی که تا پیش از آن جرم نبوده یا از مجازات سبک تري برخوردار بودند جرم انگاري شده و براي آن مجازات تعیین شد و در سایر موارد هم مجازات شرعی جایگزین گردید .از سویی دیگر تحت تأثیر برخی حوادث و اتفاقات در سطح جامعه، رویکرد عوام گرایی به سیاست هاي کیفري رخنه نمود و به این ترتیب بر شدت واکنش ها افزوده است.

بیان مسأله

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جرایم جنسی با تحولات گسترده ای همراه بوده است، مقصود از «اهداف مجازات» اموری است که کیفر به منظور دستیابی به آن پیش بینی و اجرا می‌شود. در ادبیات حقوق برای بیان این مفهوم از اصطلاح «فلسفه مجازات» هم استفاده می‌شود. بسیاری از نویسندگان حقوق کیفری در غرب، نام تمام يك کتاب یا بخشی از آن را که به تحلیل و توجیه پدیده مجازات پرداخته، به همین نام نامگذاری کرده‌اند. مقصود از اهداف مجازات، تنها چیزی نیست که فقیهان در اصطلاح آن را «علت‌حکم» می‌نامند؛ بلکه بحث درباره حکمت احکام را نیز در برمی‌گیرد؛ بحث درباره حکمت مجازات از نظر اهمیت‌به پایه بحث از علت مجازات نمی‌رسد؛ اما پی بردن به حکمت مجازات از آن رو که دیدگاه قانونگذار را روشن می‌سازد سودمنداست .بحث درباره اهداف مجازاتها را نباید با بحث درباره مبانی جرم انگاری یکی انگاشت. هرچند چون مجازات نوعی ضمانت اجرا برای تحقق همان مصلحتی است که جرم انگاری با توجه به آن صورت گرفته، کیفر به نوعی برآورنده همان هدفی خواهد بود که در جرم انگاری مورد توجه قرار گرفته است. با این همه، ویژگی‌ها و آثار متفاوت و حتی متضادی که در انواع مجازاتها وجود دارد به ما امکان می‌دهد تا بتوانیم اهداف مجازات را از مبنای جرم انگاری تمییز دهیم.

در این پژوهش به بررسی اهداف مجازاتهای اسلامی در سه جرم جنسی مستوجب حد (زنا، لواط و مساحقه) پرداخته خواهد شد. با کنکاش در مواردی همچون مبنای جرم انگاری، نظام حاکم بر ادله اثبات و بررسی عوامل سقوط مجازات در این جرایم روشن می شود که آموزه های اسلامی به رغم تاکید فراوان بر قبح ذاتی این اعمال و اثبات مسؤولیت اخلاق برای مرتکبان آن، بر تستر و پوشیدن این جرایم و جلوگیری از اثبات آنها اصرار می ورزد. در مجازات نیز تاکید اصلی بر اصلاح مرتکبان و نادم شدن آنهاست; با این حال، اهدافی همچون بازدارندگی عمومی و خصوصی، اجرای عدالت و حتی ارضای خاطر بزه دیدگان نیز از نظر دور نمانده است .

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

روش شناسی تحقیق

این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی و ابزار تحقیق منابع کتابخانه ای، نظرات فقها و علمای حقوق می‌باشد .از آنجایی که تدوین این پژوهش مستلزم مطالعه گسترده در حوزه‌ی‌های مختلف از جمله روایات، مطالعه کتب فقهی، جامعه شناسی، فلسفه حقوق و نظریات مختلف است، لذا سعی می شود آنچه برای تحلیل و بررسی در حوزه های مختلف مهم و لازم است بیان و آنچه که برای تکمیل اطلاعات و تسلط کامل بر موضوع در آن زمینه برای خواننده لازم است به منبع مورد استناد ارجاع داده شود.

ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مشتمل برجرایم و مجازات های حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آن هاست.

این تعریف از قانون مجازات اسلامی است که تلویحاً مجازت ها را شامل حدود و قصاص و دیات و تعزیرات و اقدامات تأمینی و تربیتی دانسته است و برخلاف قانون مجازات قبلی، مجازات های باز دارنده یا حکومتی را که در ماده ۱۷ قانون سابق تعریف شده بود حذف کرده است. (مرادزاده، ۱۳۹۴ : ۱۲).

ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی:» (مجازات بازدارنده، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی، تعیین می گردد ازقبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پرونه ومحرومیت، از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین ومنع از اقامت در نقاط معین و مانند آن).

ماده فوق نشان دهنده ی تفاوت تعزیری با مجازاتهای بازدارنده در مقایسه با ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی سابق بود که طبق آن ماده: ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی سابق (تعزیر، تادیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن درشرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است، از قبیل حبس و جزای نقدی وشلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد).

بنابراین فعل یا ترک فعلی که در شرع مقدس ممنوع و حرام بود وحاکم حق تعزیر مرتکب را با اعمال یکی از انواع مجازات های ماده ۱۶ مذکور داشت ولی مجازات های باز دارنده، شامل فعل یا تریک فعلی می شد که شرعاً حرام و ممنوع نبوده بلکه حکومت برای حفظ نظم عمومی برای آن مجازت تعیین کرده است. مثل قاچاق کالا با عدم پرداخت حقوق گمرکی یا رانندگی بدون گواهینامه یا عدم ثبت ازدواج و تغییر کاربردی زمین وامثال آن، تفاوت باز دارنده با مجازات تعزیری، اولاً اغلب نداشتن مجازات شلاق در جرائم بازدارنده بود. ثانیاً عدم شمول مرور زمان بر مجازات های تعزیری که مشمول مرور زمان موضوع ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری بود.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که قانون مجازات اسلامی جدید هم به موجب ماده ۱ آن و هم به موجب ماده۱۰۵ و ۱۰۶ آن ناسخ ماده ۱۷۳ آیین دادرسی کیفری و هم ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی سابق (مجازات های باز دارنده) می باشد.

شاید فلسفه نسخ مجازات های باز دارنده اینست که کلیه مجازات‌ها از هر نوع اثر بازدارندگی دارد مثل قصاص (لکم فی القصاص حیات) یا حدود یا تعزیرات و دیات.

بیان کردن این نکته خالی از لطف نیست، از میان گونه های مختلفی که در کشورما وجود دارد سه دسته مستقیماً از شرع اقتباس شده اند که عبارتند از: حدود، قصاص و دیات، سایر جرایم یعنی تعزیرات و مجازات های باز دارنده نیز غیر مستقیم متاثر از شرع هستند. (مرادزاده، ۱۳۹۴ : ۱۴)

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

جرائم حدی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در هر صورت از نظر قانون مجازات اسلامی، تکلیف تعداد مجازات های حدی روشن است و ابهامی در مورد آن وجود ندارد اما نوشته های فقهی همان گونه که بیان شد، در این زمینه متزلزل است.

قانون مجازات اسلامی جرائم جنسی را به این ترتیب بررسی کرده:

- زنا
- لواط، تفخیذ ومساحقه
- قوادی
- قذف

جرائم حدی در فقه

آنچه امروزه در تعریف حد در فقه، مصطلح و متعارف است، این است که حد یعنی مجازات مقرر و مخصوص که نوع و مقدار آن از سوی قانون‌گذار اسلامی دقیقاً معین شده است.

راجع به تعداد مصادیق اعمال مستلزم حد، یعنی جرایمی که مرتکب آن‌ها محکوم به مجازات معین خواهد شد، بین فقها اختلاف نظر است و رقم ثابتی را همگان قبول ندارند؛ دلیلش این است که برخی از فقها چند نوع جرم را تحت یک عنوان بیان داشته‌اند و گاهی هم فقیهی یک جرم را تحت عنوان حدود مورد بحث قرار داده و فقیه دیگر آن را در باب تعزیرات طبقه‌بندی کرده است، نکته دیگر این که تقسیم مجازات به حد و تعزیر اجتهادی است، و مفهوم مسلم شرعی برای حد و تعزیر وجود ندارد یعنی حد از مصطلحات خاص شرعی نیست که دارای مفهوم و معنای حقیقی شرعی باشد بنابراین هر فقیهی براساس اجتهاد خودش حد را تعریف کرده است.

مثلاً، برخی از فقهاء همچون محقق حلی، پنج جرم جنس حدی را چنین برشمرده‌اند : زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف.

از نظر محقق حلی اسباب حدود عبارتند از : زنا و آن چیزی که مربوط به آمیزش کردن هستند، ایشان جرایمی چون لواط، تفخیذ و مساحقه را تحت عنوان واحد یعنی از توابع زنا برشمرده، (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۷۵).

اسباب حدود از نظر فقها

در کتب اهل سنت، جرم های موجب حد را درهفت جرممختصر دانسته است، بدین شرح:

- زنا
- قذف
- شرب خمر
- سرقت
- محاربه
- ارتداد
- بغی (مدکور، ۱۳۸۹: ۷۲۹)

فقهای اسلامیه در خصوص تعداد جرایم مستوجب حد، متفق القول نمی باشند دلیلش این است که برخی از فقها چند نوع جرم را تحت یک عنوان بیان داشته اندو گاهی هم

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

فقیهی یکجرم را تحت عنوان حدود فقیه دیگر آن را در باب تعزیرات طبقه بندی کرده است که بیان خواهد شد.

دیدگاه های موجود را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

ـ محقق حلی معتقد است اسباب حد شش چیز است: زنا و لوحقش، قذفه، نوشدین شراب، سرقتو راهزنی. تعزیرات هم چهار چیز است: یاغی گری، ارتداد، عمل جنسی با چهار پایان و ارتکاب حرام های دیگر. (محقق حلی، ۱۳۷۴: ۱۳۶)

شهید ثانی به نظر محقق حلی (ره۹) ایراد وارد کرده است و فرموده است: تعزیری به حساب اوردن یاغی گری که محارب و امثال آن است، هم چنین تعزیری دانستن ارتداد نزد فقها سابقه ندارد. آن چه نزد فقها مشهور است این است که فقها آن ها را حد می‌دانند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۲۷)

صاحب جواهر هم به نظر محقق حلی (ره) ایراد وارد کرده است و فرموده است : بهتر بود محقق تعزیر را یک چیز قرار می داد و می‌گفت تعزیر مجازات ارتکاب حرامی است که شارع برای آن مجازات مخصوص تعیین نکرده است. (نجفی، ۱۳۶۳: ۲۵۴)

ـ برخی از فقها جرایم مستوجب حد را هشت مورد دانسته اند البته درخصوص این که جرایم مذکور چه جرایمی می باشند بین این گروه اختلاف نظر وجود دارد.

برخی از فقهای معاصر هشت جرم مذکور را (زنا – لواط- سحق – قذف – قیادت – شرب خمر- سرقت و محاربه) دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۱۵)

شهید ثانی همان طور که اشاره شد علاوه بر شش جرم مذکور در رابع جرم بغی و ارتدد را نیز مشمول حد دانسته‌اند.

ـ به اعتقاد برخی از فقهای معاصر، جرایم مستوجب حد را شانزده مورد دانسته اند و بدین شرح بیان نموده اند: (زنا – لواط- تفخیذ – ازدواج مردی که زن مسلمان دارد با زن ذمی وبدون اذن زن خود- بوسیدن توام با شهوت پسر بچه توسط یکی ازمحارم وی – سحق- قیادت – سبّ پیامبر(ص) ادعای نبوت – سحر- شرب مسکر – سرقت – فروش خمر – محاربه و ارتداد) (ایت ا. . . خویی، ۱۹۷۶ م: ۱۶۶)

اسباب حدود از نظر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ جرایم مستوجب حد را هشت مورد دانسته بود که عبارتند از (زنا – لواط – مساحقه – قوادی – قذف – حد مسکر – محاربه- حد سرقت).

اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرایم مستوجب حد را ۹ مورد دانسته است که عبارتند از : (زنا – لواط – تفخیذ – مساحقه – قوادی – قذف – سبّ نبی – مصرف مسکر – سرقت – محاربه – بغی و افساد فی الارض) که لواط – تفخیذ- مساحقه را تحت عنوان واحد یعنی از توابع زنا شمرده است و می‌توان گفت از نظر صاحب جواهر و تحریر الوسیله امام تاثیر گرفته است. شایان ذکر است که در قانون مذکور در باب حدود پیش بینی حد سبّ النبی، پیش بینی حد بغی به عنوان یکی از مصادیق جرم سیاسی و تفکیک حدمحاربه از افساد فی الارض است.

ما در این کتاب جرایم مستوجب حد را با جمع بندی از نظر فقهای متقدم و فقهای معاصر بیان خواهیم کرد که عبارتند از: زنا و توابع آن (لواط – مساحقه – قیادت)، قذف – شرب خمر- سرقت – ارتداد و محاربه که به صورت تفکیکی و مستقل بررسی خواهیم کرد ان شاء ا. . . .

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

به هر حال حد، کیفری است که قانون گذار اسلام، به طور دقیق، میزان وکیفیت آن را معین کرده است و ارحقوق خدای تعالی شمرده می شود و حق الله بودن بدین معنی است که از طرف فردی یا گروهی قابل اسقاط نخواهد بود. (مرادزاده، ۱۳۹۴ : ۲۲)

مصادیق جرائم جنسی

بسیاری از جرایم جنسی برحسب کیفیت ارتکاب، برای اینکه بعنوان بزهی قابل کیفر، شناسایی شوند مستلزم تحقق رابطه و تماس می‌باشد از این رو بسیاری ازجرایم واقع در این گروه پس ازکشف یا اساسا بدلیل عدم کفایت اعمال ارتکابی برای تطبیق در هر مورد جرم قلمداد نمی‌شوند و یا در زمره جرم عقیم قرارمی‌گیرد فرض در مورد بزه زنا، این بزه زمانی قابل تحقق است که توام با تماس و لمس بدن و فراتر از آن دخول به کیفیت مطرح صورت پذیرد. حال چناچه احدی از مرتکبین برحسب فیزیک بدنی و مشخصات جسمی قادر به دخول نباشد و این توانایی برای هرکدام از طرفین فراهم نباشد این جرم عقیم می‌ماند و ممکن است در زمره جرایم جنسی بدون رابطه و تماس قرار گیرد و یا اینکه علی‌رغم دخول مشمول جرایم جنسی نباشد مانند دخول بدون وجود شریک جنسی که می‌تواند مصادیقی از انحراف جنسی قلمداد گردد.

الف) زنا

زنا در قوانین موضوعه صرفنظر از کیفیت ارتکاب دارای اقسامی می‌باشدکه قانونگذار ما دربخش دوم از کتاب حدود قانون مجازات اسلامی مباحث مربوط را ذیل یک فصل بیان نموده است و در نخستین ماده ازاین فصل(ماده۲۲۱ قانون مجازات اسلامی) زنا را اینطور تعریف کرده است که (زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده وازمواردوطی به شبهه نیزنباشد) (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲|۲|۱۱ ماده ۲۲۱) تعریف زنا درقانون مجازات اسلامی سابق شاید با این اشکال روبرو بود که قید کلمه ذاتا باعث ابهام گردیده بود اگر منظورمقنن از ذاتا نبود علقه زوجیت می بود و این ملاک حرام بودن قلمداد می شد مقصود مقنن روشن بود اما ابهام اینجا بود که، شاید مقصود از ذاتا موردی باشد که حتی بطرق شرعی امکان ارتباط جنسی فراهم نباشد مانند زنای با محارم یا در مورد جمع دو خواهر و یا بهترین مصداق آن بتزویج درآوردن زنی که در علقه زوجیت یا عده دیگری است درصورتی که منجر به مواقعه گردد که دراین صورت این زن ذاتا برآن مرد حرام موبد می‌گردد چه عالم به موضوع باشد یا نباشد که قانونگذار ما تنها درموردی که منجربه مواقعه نگردد را بیان نموده است. (قانون مجازات اسلامی سابق ماده ۶۳ و۶۴) و درصورت مواقعه حتی رعایت صورت ظاهرعقد شرعی، حرمت را زائل نمی‌نمایدبه هرصورت این اشکال درقانون جدید اندکی مرتفع گردید.

البته نکته دیگر این است که هرچند زنا عملی طریفینی و باحضور زانی و زانیه انجام می‌گیرد لکن همیشه اینطور نیست که زنا بصورت جماع مردی با زنی باشد مطابق آنچه در تعریف قید شده است، چراکه در مواردی مانند اکراه، عنوان مجرمانه تنها در مورد یکطرف قابل اثبات است بنظر می‌رسد قانونگذار با ارائه تعریفی مصداق تنها خواسته صورتی اجمالی از جرم را ترسیم کند و جزییات موضوع را به فراخور اقتضا در مواد دیگر بصورت مجزا بیان نماید. علاوه بر آن قانونگذار دخول از دبر را نیز مشمول زنا دانسته است و در تبصره ۲ ماده ۲۲۱ در مقام بیان عناصرتشکیل دهنده جرم زنابرخلاف قانون سابق بلوغ، عقل واختیارراشرط تحقق زنا ندانسته هرچنددرماده ۲۱۷ بصورت کلی اشاره کرده است درحالیکه قانون سابق عنوان می‌نمود که زانی و زانیه باید بالغ و عاقل و مختار

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

باشند بعبارتی توانایی کنترل اعمال و رفتارخود را داشته باشند و هر امری که زمام را از دست مرتکب خارج کند و این بی‌اختیاری ناشی از زوال عقل باشد یا اجبار و اکراه، تحقق بزه زنا را مواجه با فقد عنصر روانی جرم می‌نماید قانونگذار درقانون سابق دو شرط دیگر را نیز در نظرگرفته که بنظر نگارنده دارای مختصات ویژه‌ای می‌باشد و آن بالغ بودن زانی یا زانیه بوده و علت اختصاصی بودن این شرط این است که در زمره هیچکدام از عناصر تشکیل دهنده بزه قرار نمی‌گیرد بنظر می‌رسد قانونگذار اراده نموده با قید شرط بلوغ وصفی را برای زانی و زانیه در نظر بگیرد و مراد، ارائه معیار طفل ممیز از غیرممیز با قید کلمه بلوغ باشد چرا که مطابق ماده۴۹ از قانون مجازات اسلامی سابق وتبصره ذیل آن طفلی که به بلوغ شرعی نرسیده باشدمبری از مسولیت کیفری است، آیا این بدان معنی است که زنایی رخ نداده یا اینکه ارتکاب بزه مسجل است ولی مورد از موارد رافع مسئولیت کیفری است، که بنظر می‌رسد با توجه به فایده عملی موضوع که درمورد طفل بزهکار تمهیداتی در نظرگرفته شده ازجمله تنبیه، در بزه زنا با وصف فقدان بلوغ جرمی رخ نداده است و حتی طفل را نتوان تنبیه کرد و این شرایط اختصاصی جرم زنا می‌باشد که تمیز آن با ارائه معیار بلوغ شرط است از اینرو جرم زنای اطفال بالغ کمتر از ۱۸ سال بواسطه قوه تمیز و تشخیص مطابق تبصره ذیل ماده ۲۲۰ از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مانند افراد عادی در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود لازم به ذکر است قانونگذاردرماده ۲۱۷ ازقانون مجازات اسلامی بطورکلی برای همه حدود شرایطی چون قصد، علم، شرایط مسولیت کیفری بیان کرده است.

نکته دیگری که در بیان اوصاف زنا مطرح است زانی و زانیه به حکم و موضوع باید واقف باشند این مورد نیز از شرایط اختصاصی است چراکه اگرحکم را در معنای آگاهی به حرمت و مجازات قلمداد کنیم تنها مورد می‌باشد که با اصل آگهی عموم از قوانین و مقرراتی که طبق تشریفات انتشار یافته منافات دارد و علی‌الظاهر در این مورد عدم اطلاع از حکم قابل پذیرش است همچنین شبهه در مورد موضوع بدین معنی که چه زمان می‌توان گفت عمل رخ داده زنا است. البته قانونگذار شبهه مصداقیه را با وصف اطلاع شخص از حکم و موضوع لازم ندانسته است برهمین مبنا تنها چناچه مرتکب نداند عملی که انجام می‌دهد حرمت دارد و یا به حرمت آن آگاه باشد نداند این مقدار عمل زنا محسوب می‌شود یا خیر از نظر قانون این عمل زنا محسوب نمی‌شود. تعریفی که قانون ارائه کرده مطابق تعریف فقهی از زنا است که عنوان شده (الزناهوایلاج البالغ العاقل فی فرج امراء بل مطلق الانثی قبلااودبرامحرمه علیه من غیرعقدنکاح بینهماولاشبهه موجبه لاعتقادالحل قدرالحشفه عالمابالتحریم مختارافی الفعل). (شهیدثانی، ۱۳۷۸ : ۴۳۰)

زنا عبارت است ازداخل شدن الت تناسلی مردبالغ وعاقل درفرج زن وعلی الطلاق جنس مونث بقدرحشفه ازجلویا پشت درحالیکه بواسطه فقدان علقه زوجیت بر او حرام است و عالم به حکم حرمت و دارای اختیار در انجام عمل بوده وشبهه درموضوع ومصداق نداشته باشد.

در این مقال مقصود این نیست که تمام جزییات هر بزه بیان شود چرا که هر کدام از این موارد خود بتنهایی مشتمل بر چندین بخش وفصل خواهدبودوبررسی مجزا را می‌طلبد لذا با این هدف مطالب بیان می‌شود که برای هر شخصی قابل فهم و رساننده معنا ومفهوم باشد بر همین مبنا در بیان ساده، زنا به رابطه جنسی نامشروع توام باتماس و خارج از پیمان ازدواج و زناشویی گفته می‌شود یا بعبارتی دیگر زنا به نزدیکی بین زن و مرد بدون ازدواج رسمی اطلاق می‌گردد. در گفتار عامیانهٔ امروزی، مردی که مرتکب زنا شده است را زانی، و زن زناکار را زانیه می‌خوانند. در تمدن‌های بزرگ گذشته نظیر ایران باستان، روم،

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

یونان، شبه جزیره عربستان در دوره پیش از اسلام، برای زنا تعاریف، تعابیر و حدود متفاوتی وجود داشته‌است. امروزه نیز در فرهنگ‌ها و ادیان و ملل مختلف برخوردهای متفاوتی با رابطهٔ جنسی خارج از ازدواج می‌شود.

در اسلام، زنا از گناهان بزرگ است و در شریعت ممنوع گشته است. در قرآن نیز آیاتی وجود دارند که شان نزول آنها درباره تحریم زنا می‌باشدکه برخی از این آیات شریفه بیان می‌شود:

۱- وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ ۖ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا. (سوره نسا، آیه۱۵)

۲- وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۚ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا. (سوره نسا، آیه۲۲)

و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده‌اند نکاح مکنید مگر آنچه که پیشتر رخ داده است چرا که آن زشتکاری و [مایه] دشمنی و بد راهی بوده است.

Ö حْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۖ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۚ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا. (سوره نسا، آیه۲۴)

و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالك آنان شده‌اید [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است و غیر از این زنان نامبرده، برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زنانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از مقرر با یکدیگر توافق کنید مسلما خداوند دانای حکیم است.

۴- الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ ۖ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ ۖ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. (سوره مائده آیه ۵)

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده، و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است، و طعام شما برای آنها حلال، و (نیز) زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند، هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید، نه زناکار، و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید. و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می‌گردد، و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود .

۵- وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا ۖ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا. (سوره اسراء، آیه ۳۲)

و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است.

۶- الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ ۖ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (سوره نور، آیه ۲)

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید، و نباید رأفت (و محبّت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند .

۷- الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ ۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ. (سوره نور، آیه ۳)

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند، و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود درنمی‌آورد، و این کار بر مؤمنان حرام شده است.
زنا دارای اقسام مختلفی است که برای هر کدام از آنها کیفرها و حدود جداگانه‌ای در اسلام وجود داردوموارد‌ی که قانون مجازات بصراحه نام برده عبارتنداز:
۱- زنای با محارم نسبی که بدان معنی است: مرد با یکی از زنهایی که جزو محارم نسبی وی هستند و ازدواج کردن با آنان حرام است، زنا کند. محارم نسبی مانند: مادر، خواهر، دختر، دختر خواهر، دختر برادر، عمه و یا خاله درادامه، بایدگفت که کیفر آن بنابر نظر بعضی از فقها اعدام است، ولی مفاد بعضی از روایات این است که با شمشیر یک ضربه به گردن او بزنند و اگر زنده ماند او را در حبس نگه دارند تا بمیرد، و احوط رعایت این دستور است. حکم اعدام در زنا با زنانی که بواسطه شیر خوردن محرم شده‌اند یا به سبب ازدواج محرم شده‌اند مانند مادر زن محل اشکال است، ولی نسبت به زن پدر جاری است. همچنین در این حکم فرقی نمی‌کند که مرد زنا کننده مجرد و یا متاهل باشد.
۲- زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است باشد.
۳- زنای غیرمسلمان بازن مسلمان که موجب قتل زانی است.
۴- زنای به عنف به معنای آن است که زنی به عمل زنا راضی نباشد و مرد با زور و ارعاب و تهدید با او زنا کند و مجازات آن برای مرد زنا کننده «اعدام» است، هرچند احوط آن است که یک شمشیر به گردن او بزنند، گرچه نمیرد .(قانون مجازات اسلامی، ماده۲۲۴)
۵- زنای غیر محصنه: که به زنایی گفته می‌شود که شخص زناکار (زن یا مرد) فاقد همسر و مجرد باشد و به اختیار خود زنا کرده باشد. به زبان ساده تر به زنای شخص مجرد، زنای غیر محصنه گفته می‌شود .
مجازات زنای غیر محصنه: در این نوع از زنا، کیفر شخص زناکار درمرتبه اول یکصد ضربه شلاق است، و اگر سه مرتبه زنا کند و در هر مرتبه حد خورده باشد، کیفر او در مرتبه چهارم اعدام است. مرد را در حالی شلاق می‌زنند که ایستاده باشد، و نباید ضربات شلاق بر سر و صورت و عورت او وارد شود. اگر مرد را هنگام زنا برهنه یافته‌اند، جز عورت بقیه بدن او باید برهنه باشد و اگر با لباس یافته‌اند بنا بر احتیاط به هر نحو که او را یافته‌اند شلاق خواهد خورد. زن را درحالی شلاق می‌زنند که نشسته باشد و بدن او با لباس پوشیده باشد، و از شلاق زدن به سر و صورت او خود داری نمایند .
زنای محصن و محصنه: به معنای آن است که شخص زنا کننده دارای همسر دائمی باشد به گونه‌ای که هرگاه بخواهد با همسر خود نزدیکی کند مانعی در کار نباشد و با این حال تن به زنا داده باشد. به زبان ساده‌تر اگر یک زن متاهل زنا کند، به زنای آن شخص زنای محصنه گفته می‌شود و اگر زانی مرد باشد زنای محصن گفته می‌شود. مجازات زنای محصن در مورد مرد زناکاری که متاهل است، اگر پیرمرد است ابتدا یکصد ضربه شلاق و سپس سنگسار است، و اگر جوان است فقط او را سنگسار می‌کنند و بنابر احتیاط واجب شلاق نزنند، در مورد زن متاهل نیز همین حکم جاری است. اگر مردی که متاهل است و زن او در اختیار اوست اما هنوز با اوزناشویی نکرده، اگر این مرد با زنی زنا کند او را صد ضربه شلاق می‌زنند و سر او را هم می‌تراشند و به مدت یکسال او را از شهرش تبعید می‌کنند. ولی برای زن زناکار حکم تراشیدن سر و تبعید جاری نیست درقانون مجازات اسلامی جدید این موضوع اضافه شده چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد با پیشنهاد دادگاه صادرکننده رای قطعی وموافقت رییس قوه قضاییه حکم رجم به اعدام تبدیل می شود. (قانون مجازات اسلامی مواد۲۲۶-۲۳۲)

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

مواردی که مطرح شد در جهت آشنایی اجمالی باماهیت بزه زنا و انواع آن بود بدیهی است که این مبحث دارای جزییات زیادی بوده که از حوصله این مقال خارج است و ضرورت دارد که برای اطلاع از تمام جزییات به قانون مجازات اسلامی و فصول مربوطه مراجعه گردد.

ب) لواط

عمل هم جنس بازی امروزه بیش از پیش سایه شوم خود را بر بشریت گسترانیده و رذایل شوم و تأسف باری را به وجود آورده است. در میان این همه جرائم، جرائم هم جنس بازی لواط یا هم جنس بازی مرد با مرد که یک نوع از آن دو نوع جرائم هم جنس بازی (لواط، مساحقه) می‌باشد در عصر حاضر آثار ننگین و مخربی را به بار آورده است. که می‌توان از آثار مخرب آن به وجود آمدن بیماری‌های خاصی از قبیل ایدز و سایر بیماری‌های مقاربتی نام برد. تحلیل و بررسی در مورد چنین جرائمی قابل توجه است چرا که این موضوع (هم جنس بازی) تا جایی پیش رفته که در کشورهای غربی این امر به صورت یک قانون در آمده و به عنوان عملی بهنجار پذیرفته شده است و برای آن قانون وضع گردیده است.

طرفداران هم جنس بازی بر این امر توجه می‌کنند که رواج این عمل ناشایست به منظورجلوگیری از ازدیاد نسل و سقوط اقتصادی جامعه ضروری است. (شامبیاتی، ۱۳۹۳ :۵۱۸)

تعریف لواط توسط آقایان امینی و آیتی این است که: هر مذکری آلت تناسلی خود را در دبر مذکر دیگری داخل کند. تعریف دیگر از نگاه فقهای متأخر: لواط به معنای وطی با جنس مذکر است و این واژه از عمل قوم لوط گرفته شده است. (شهید اول، ۱۳۹۰: ۲۲۸)

لواط که یکی از انواع انحرافات جنسی نیز، بواسطه عملی خارج از چارچوب محسوب می‌شود همواره در آیات و روایات مورد نکوهش قرار گرفته و قانون مجازات اسلامی نیز ابوابی از حدود را به بررسی این بزه شنیع اختصاص داده است. ازجمله آیات قرآن در نکوهش عمل لواط می‌توان آیات ذیل است:

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَآءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (همانا شما به جای زنان، برای شهوت سراغ مردان می‌روید، بلکه شما قومی اسراف‌کارید.)(سوره اعراف، آیه۸۱)

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاء بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (آیا شما با بودن زنان، برای غریزه‌ی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟ بلکه شما مردمی (نادان و) جهالت پیشه آید.)(نمل، آیه۵۵)

در مورد روایات مطرح در این خصوص می‌توان به روایات ذیل اشاره نمود:

در حدیث ابوبکر حضرمی از امام صادق(ع) آمده است که رسول خدا (ص) فرمود:

خداوند مرد مفعول را در زندان جهنم حبس می‌کند تا از حساب خلایق فارغ شود، آن گاه فرمان می‌دهد او را در طبقات جهنم یکی پس از دیگری وارد کنند تا به پایین‌ترین طبقه وارد شود و هرگز از آن جا بیرون نمی‌آید.

حذیقه بن منصور می‌گوید:

از امام صادق پرسیدم: لواط چیست؟ فرمود مابین الفخذین میان دو ران است. آن گاه پرسیدم: پس آن که دخول می‌کند چه؟ فرمود: ذاک الکفر بما انزل الله علی نبیه(ع) چنین کاری کفر ورزیدن به احکام الهی است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

در قانون مجازات اسلامی فصل دوم از بخش دوم از کتاب حدود به بزه لواط اختصاص یافته است و تعریف واحکام مربوطه بتفکیک بیان شده است ومواد۲۳۳تا۲۳۷از قانون مجازات اسلامی را دربر می‌گیرد. نخست در ماده۲۳۳ لواط اینگونه تعریف می‌شود: (لواط عبارت است ازدخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه دردبر انسان مذکر است)(قانون مجازات اسلامی، ماده۲۳۳) در این تعریف چند شاخصه قابل بررسی است، یک مورد اینکه لواط اساسا به صورت فعل صورت می‌پذیرد نه ترک فعل مورد دیگر اینکه مفعول الزاما باید مذکر باشد و اناث را دربر نمی‌گیرد از سوی لواط برحسب فعل ارتکابی در دو نوع تقسیم‌بندی می‌شود و هر کدام احکام مختص به خود را به همراه دارد نکته دیگر اینکه بمانند بزه زنا که میزان دخول برای اثبات زنا شرط اساسی می‌باشد در این بزه میزان دخول شرط است و کیفیت آن بیان شده است همچنین همانطورکه بیان شد قانونگذار در ماده۲۱۷ شروط حدود را بطورکلی بیان کرده و قانونگذاردرماده ۲۱۱ از قانون مجازات اسلامی بصراحت استنادبه علم قاضی را برای جاری کردن حدود کافی می‌داندواین امر بطورکلی بیان شده است درقانون جدید ماده۱۲۰ازقانون مجازات اسلامی سابق در بحث لواط که بر این امر تاکید داشت را حذف نمود.

ج) مساحقه و تفخید

انسان دارای دو بعد ملکوت و ناسوت است که مراتب این دوبعد شامل عقل و روح و غرائز و تمایلات می‌شود. شگفتی انسان در برخورداری از این دو بعد است، زیرا بین این دو بعد تضاد وجود دارد و هنرمندی انسان و سخت ترین کار در این دنیا تعادل بین ابعاد می‌باشد. به همین دلیل هیچ کدام از امیال و غرائز آدمی نباید سرکوب شود، بلکه باید کنترل شود. شهوت یکی از این غرایز است همانند غرایز دیگر، نه باید سرکوب گردد و نه آنکه بی‌هیچ محدودیتی پروبال داده شود. در تاریخ ملل و مذاهب، راه‌حل‌هایی برای ساماندهی این غریزهٔ سازنده و در عین حال مخرّب اندیشیده شده است. یکی از این راه‌حل‌ها که با هدف تهذیب اخلاق و تحکیم مبانی خانوادگی است، پیروی از قواعد طبیعی تولید نسل است، زیرا انحرافات جنسی مخرب، بلکه عامل ویرانی فرهنگ‌ها و جوامع قلمداد می‌شود. چون انسان موجودی اجتماعی بوده و هر اجتماعی از کنش‌های متقابل اجتماعی ساخته شده است. لذا هنجارهای اجتماعی، چگونگی روابط اجتماعی را معین می‌نمایند. هدایت غریزهٔ شهوت در کانال قواعد تکوین شده در اجتماع، امری ضروری و خروج از آن مسیر، انحراف یا جرم جنسی تلقی می‌گردد که علاوه برتزلزل بنیان‌های اخلاقی و دینی جامعه، اثرات مخرّب بر جسم و روان فرد می‌گذارد.

مساحقه، یا هم‌جنس‌گرایی زنان، یکی ازجرایم جنسی آنان به شمار می‌رود. شرع مقدس اسلام، مساحقه را جرم و برای آن مجازات حدّی تعیین نموده است. مقنن هم به پیروی از شرع، وصف کیفری به عمل مساحقه اعطاء نموده و در حال حاضر ماده ۲۳۸قانون مجازات اسلامی رکن قانونی این جرم را تشکیل می‌دهد.

سحق، بر وزن سنگ بوده از اینرو مساحقه معانی گوناگونی دارد، ازجمله: جامهٔ کهنه، ریزه ریزه کردن، کوبیدن، نرم کردن، ساییدن و پاک کردن. و در اصطلاح حقوق به عمل دو زن که از هم لذت جنسی می‌برند و با مالیدن آلت زنانه خود به هم شهوترانی می‌کنند. دربارهٔ جرم مساحقه روایتی از امام علی(ع) امام اول شیعه نقل شده‌است که مساحقه در میان زنان مانند لواط در بین مردان است ولکن حد مساحقه صد ضربه تازیانه است، زیرا در مساحقه دخول نیست(السحق فی النساء کاللواط فی الرجال لکن فیها جلد مائة لأنه لیس فیها ایلاج)(حر عاملي، ۱۴۰۱ : ۸۶)

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

هر جرمی نیازمند رکن مادی است. رفتار فیزیکی، رکن مادی در هر جرم را تشکیل می‌دهد که عبارت از فعل یا ترک فعلی می‌باشد که از فرد بروز می‌کند لذا در تعریف «سحق» آمده است: «الذی هو وطاء المرأة مثلها»،)مساحقه)وطی زن با زن دیگر است. چون عامل و معمول هر دو زن هستند، این عمل را نسبت به طرفین، مساحقه گویند. هرچند «سحق» در قرآن کریم به صراحت مورد نکوهش قرار نگرفته است، اما مفسرین، اشارة این کتاب مقدس به «اصحاب رسّ» را صراحت در نکوهش «سحق» دانسته اند. لکن روایات بسیاری در حرمت مساحقه نقل شده است. امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال زنی که از مساحقه می‌پرسد، می‌فرمایند: «حد زنا بر آنان جاری می‌شود. این زنان در روز قیامت، با لباس‌هایی از پاره‌های آتش محشور می‌شوند و مقنعه‌های آتشین بر سر دارند و شلوارهایی از آتش برتن دارند و ستون‌هایی از آتش در شکم آنها وارده شده است که تا سرشان ادامه دارد و خداوند آنان را به داخل آتش پرتاب می‌کند». (حر عاملي، ۱۴۰۱ : ۸۶)

اگرچه برای هم جنس بازی زنان انواعی ذکر شده است، اما از آنجا که مطابق اصل قانونی بودن جرایم، باید به فعل ممنوع در قانون تصریح شده باشد، لذا رکن مادی مساحقه عبارت است از: «قراردادن اندام تناسلی مونث براندام تناسلی همجنس خود» و اعمال دیگر مانند بوسیدن زنی توسط زن دیگر از روی شهوت یا لیسیدن اندام‌های تناسلی راشامل نمی‌شود البته این موارد با وجود اینکه شامل رکن مادی جرم مساحقه می‌شود، اما به جهت آنکه این موارد در مادة ۲۳۸ ق. م. ا. نیامده است، لذا قابل مجازات نمی‌باشد. بلکه ممکن است در این موارد برحسب نظریه مشورتی شماره۹۱۶/۷ تاریخ ۱۳۷۳/۴/۸ اداره حقوقی مشمول ماده ۱۲۴ قانون مجازات اسلامی سابق قرار گیرد آنچه را که مقنن به عنوان رکن مادی مساحقه قبول دارد، در ماده ۲۳۸ ق. م. ا به آن اشاره نموده است. (همتی، ۱۳۹۲: ۳۰)

مقنن قبل از انقلاب اسلامی ایران، توجهی به جرم مساحقه ننموده بود که علت آن در عدم ورود مفهوم «حق‌الله» به حیطة قانونگذاری است. زیرا آن قوانین الهام گرفته از قوانین جزایی فرانسه بود که فقط برای جرایم دو جنبه «حق عمومی» و «حق خصوصی» در نظر گرفته بودند.

توجه به «حق‌الله» بعد از انقلاب اسلامی ایجاب نمود که مقنن، حدود را در ردیف جرایم بگنجاند. «حق‌الله» از حقوق خصوصی است؛ اما نه از حقوق خصوصی اشخاص، بلکه از حقوق خصوصی که مختص به خداوند است. البته خداوند محتاج به چنین حقوقی نیست، بلکه این حق به خاطر حفظ حاکمیت خدا و اطاعت ازاو برای حفظ مصالح جامعه و افراد است. (همتی، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۳)

در قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ عمل مساحقه را جرم انگاشت. مادة ۱۵۷ قانون فوق در تعریف مساحقه چنین آورد: «مساحقه هم جنس بازی زن‌هاست با اندام تناسلی»، و ماده ۱۵۹ که رکن قانونی مساحقه را تشکیل می‌دهد، حد مساحقه را برای هر یک، یکصد تازیانه درنظر گرفته بود. در حال حاضر نیز مواد ۲۳۸ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲، جایگزین ماده ۱۲۷ قانون سابق شده است.

دراینجا یک نکته مهم وجوددارد وآن اینکه جرم مساحقه تقریباً فاقد سابقه در دادگستری می‌باشد. آیا چنین واقعیتی نشان از سلامت اخلاقی زنان جامعة ماست؟ واقعیت این است که نسبت آمار سیاه جرم مساحقه به آمار قانونی آن بیش از ۹۹ به یک است. حتی این آمار کمتر از آمار سیاه جرم هم جنس بازی مردان (لواط و تفخیذ) می‌باشد؛ زیرا در مساحقه فرد مجنی علیه وجود ندارد. چون از یک طرف مفعول در جرم مساحقه با مفعول در جرم لواط متفاوت است و آثار جسمی در لواط، اثبات آن را ممکن می‌سازد، اما

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

آثار جسمی در مساحقه قابل مشهود نیست و از سوی دیگر رضایت طرفین نیز علت دیگری بر مخفی ماندن جرم مساحقه است. اگرچه مخفی ماندن جرم مانع بروز اثرات سوء آن نمی‌گردد. (همتی، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۳)
در فقه، طرق اثبات مساحقه به اقرار و بیّنه محدود شده است، ماده ۱۷۲و۱۹۹ ق. م. ا نیز ضمن پیروی از فقه، علم قاضی رانیز به عنوان ادله اثبات مقرّر داشته است.
قانون مجازات اسلامی با پیروی از نظر مشهور فقها، در ماده ۲۳۹ ق. م. ا، حد مساحقه را دربارهٔ هر یک از طرفین صد تازیانه قرار داده است.
البته در صورت تعدد و تکرار جرم، تشدید مجازات در جرایم تعزیری در نظر گرفته شده است. از آنجا که مجازات در جرایم تعزیری و بازدارنده معمولاً دارای حداقل و حداکثر است و قاضی قادر به جولان در دامنهٔ مجازات می‌باشد، همچنین در متناسب ساختن مجازات با سوءنیت مجرمانه و حالت خطرناک جرم، امکان تخفیف مجازات و تشدید آن وجود دارد، لذا تعدد و تکرار هر دو موجب تشدید مجازات و در مواردی موجب جمع مجازات می‌گردد. اما در جرایم حدی با توجه به تعیین مجازات در شرع، امکان تشدید یا تخفیف آن وجود ندارد و صرفاً در صورت تکرار، نوع مجازات تغیر می‌کند.
تعدد جرم مساحقه، تأثیری در مجازات نداشته و هرگاه فردی چندبار این عمل را تکرار نماید، بدون اینکه حد بر وی جاری شود، فقط مستحق یک بار اجرای حد (صد ضربه) است. اما تکرار جرم در نوع مجازات مساحقه کنندگان مؤثر می‌باشد.
آنچه ذکر شد، مجازات اصلی جرم مساحقه است. تعیین مجازات تکمیلی یا تتمیمی دربارهٔ مساحقه با توجه به نصّ صریح مادهٔ ۲۳ قانون مجازات اسلامی ممکن است. اما مجازات تبعی دربارهٔ مساحقه کنندگان در مادهٔ ۲۳ ق. م. ا در نظر گرفته شده است. مطابق مادهٔ۲۶ قانون فوق‌الذکر حقوق اجتماعی احصاء شده است
در باب سقوط مجازات حدی مساحقه این نکته حایزاهمیت بیان است که چنانچه مساحقه با شهادت شهود ثابت شود ومساحقه کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حد ساقط می‌شود اما توبه بعد از شهادت شهود موجب سقوط حد نیست وچنانچه مساحقه کننده اقرارکند وسپس توبه کند قاضی می‌توانند از ولی امر تقاضای عفو او را بنماید شاید این سوال پیش آید چطور می‌شود کسی قبل از شهادت توبه کند و حد ساقط شود درحالیکه تلویحا اقرار به بزه نموده است بنظر می‌رسد این امر منصرف از یک بار اقرار باشد. (همتی، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۳)

د) قوادی

قوادی به معنای رساندن زن ومردی یا مرد بامردی دیگری به منظور ارتکاب عمل منافی عفت است این جرم از یک جرم ساده به جرمی سازمان یافته وبه یک بحران بزرگ اجتماعی تبدیل شده است که این جرایم از قبیل قاچاق زنان ودختران وتشکیل باندهای فساد ومراکز فحشا رابه همراه دارد .

مجازات و حد زنا

دربارهٔ جرم وکیفر زنا آیاتی در قرآن مجید آمده است که د ابتدای بخش به پاره‌ای ازآن ها اشاره شد. کیفرهای را که در زنا در شرایط متفاوت شکل می‌گیرد، می توان یافت که از این قرارند و هر یک از کیفرها را به اختصار بیان می‌کنیم:

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

قتل(اعدام) با شمشیر و مانند آن:
- زا با محارم نسبی
- زنای کفر ذمی با زن مسلمان
- زنا از روی اکراه
- سنگسار (رجم) : (زنای مرد محصن با زن بالغ و عاقل)

فقط صد تازیانه:
- زنای مرد بالغ محصن با دختر بچه و یا با زن دیوانه
- زنای پسر بچه ی نا بالغ با زن
- تازیانه با تراشیدن سر و تبعید: (زنای مرد آزاد و غی رمحصن)
- تازیانه زدن و سنگسار کردن (جمع میان دو کیفر)

تحریر الوسیله کیفرهای مربوط به زنا را در همین پنج کیفر شماره کرده است ولی گروهی از فقها از جمله شهید ین (شهید اول، شهید ثانی) و صاحب جواهر چند کیفر را نیز بر آن‌ها افزوده اند و ازجمله آن‌هاست.
- کیفر ضغث: حد مریضی که تاب تازیانه های پی در پی را نداشته و مصلحت اقتضاء کند که در اجرای حد تعجیل گردد.

کیفر جمع (جمع میان حد و تعزیر):
- زنا در شب یا روز ماه رمضان،
- زنا در اماکن مقدسه،
- زنا با مرده،
- زنا در سایر زمان های شریف غیر از ماه رمضان
- حد مبعض: حد مملوکی که مقداری از او آزاد شده است.
- پنجانه تازیانه : حد زنا توسط بنده وکنیزی که بالغ و عاقل باشند. (شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، ۱۴۱۴: ۱۱۶)

مجازات و حد لواط

مطابق قانون مجازات اسلامی ۹۲ :

حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط حصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت(وجود یا عدم احصان) اعدام است.

تبصره۱- در صورتیکه فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.

تبصره ۲- احصان عبارت است از آنکه مرد همسر دایمی و بالغ داشته باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد وهر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.

ماده ۱۰۹ ق. م. ا ۱۳۷۰ فاعل ومفعول لواط را مستحق حد می‌دانست ومادل ۱۱۰ حد لواط را قتل قرار داده بود که کیفیت آن را حاکم شرع تعیین می‌کرد. (ماده ۱۰۹: «فاعل ومفعول لواط هر دو محکوم به حد خواهند شد» ماده ۱۱۰: « حد لواط در صورت دخول قتل است و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است. » مواد ۱۴۰ و ۱۴۱ قانون حدود و قصاص نیز عیناً مفاد دو ماده یاد شده را بیان کرده بودند. قانون جدید تفاوت‌های اساسی با قانون سابق دارد از جمله اینکه میان مجازات فاعل ومفعول،

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

تفکیک کرده و مجازات مفعول را در هر صورت، اعدام می‌داند اما مجازات فاعل در صورتی اعدام است که محصن بوده ویا با عنف واکراه، این عمل را انجام داده باشد و گرنه حد شلاق بر وی جاری می شود. همچنین در قانون سابق تفاوتی میان فاعل مسلمان وغیر مسلمان وجود نداشت و این تفاوت ها ناشی از استنباط های گوناگون از روایات است و گرنه تغییری در منابع اصیل شرعی بوجود نیامده است. اگر تبصره‌ی اول دارای مفهوم مخالف باشد معنایش این است که چنانچه فاعل، مسلمان و مفعول غیر مسلمان باشد حد فاعل، اعدام نخواهد بود حال آنکه شلاق متن ماده چنین حکمی را بیان نمی‌کند، پس نباید چنین مفهومی را از تبصره بدست آورد بویژه اینکه مفهوم وصف نزد مشهور اصولی‌ها، اعتباری ندارد. (زراعت، ۱۳۹۵ : ۲۷۱)

مجازات تفخیذ

مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ :
در تفخیذ، حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و از این جهت فرقی میان محصن و غیرمحصن و عنف و غیر عنف نیست.
تبصره: در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.
ماده ۱۲۱ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت:«حد تفخیذ و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر یک صد تازیانه است.
تبصره- در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است. »

مجازات مساحقه

ماده ۱۲۹ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «حد مساحقه برای هر یک از طرفین صد تازیانه است» ماده ۱۵۹ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ نیز شبیه همین ماده بود. این مواد تفاوت محتوایی ندارند بلکه قانون سابق از واژه ای « تازیانه» و قانون جدید از واژه ی «شلاق» استفاده کرده است که مترادف هستند. (نجف آبادی، ۱۳۴۵: ۸۶)

مجازات قوادی

مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲:
قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است.
تبصره ۱- حد قوادی منوط به تحق زنا یا لواط است در غیر این صورت عامل، مستوجب تعزیر مقرر درماده (۲۴۴) این قانون است.
تبصره ۲- در قوادی؛ تکرار عمل شرط تحقق جرم نیست.
ماده ۱۳۵ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط. » ماده ۱۶۵ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ شبیه به همین حکم را بیان کرده بود. ماده ۱۳۵ عنصر مادی این جرم را به صورت «جمع و مرتبط کردن» بیان کرده بود وماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ عبارت « به هم رساندن» را آورده است که مترادف هستند اما تبصره ی اول ماده ی اخیر به ابهام دادگاه ها در مورد مطلق یا مقید بودن این جرم پایان داد و به موجب این حکم، هر دو حالت امکان دارد منتها اگر نتیجه حاصر شود، جرم حدی است و اگر به نتیجه منتهی نشود، جرم تعزیری محسوب می شود. (مراد زاده، ۱۳۹۴ : ۹۶)

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

نتیجه گیری

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جرایم جنسی با تحولات گسترده ای همراه بوده است؛ تحولاتی که منشأ آن احساس لزوم و احساس نیاز به حذف مجازاتهای سخت بوده است، اگر جرایم جنسی را به دو دسته ی جرایم جنسی مستوجب حد و جرایم جنسی مستوجب تعزیر تقسیم نماییم، می توان گفت جرایم جنسی مستوجب حد در دامنه ی این تحولات قرار گرفته است؛ از جمله این تحولات می توان به مواد ۲۲۴ و ۲۲۵ ق م ا در مورد زنای با عنف و اکراه و زنای محصنه و ماده ۲۳۴ در خصوص لواط اشاره کرد.

از مجموع آن‌چه که در این پایان نامه گذشت روشن گردید که شارع مقدس اسلام در جرم‌انگاري جرايم جنسي مستوجب حد، مباني مستحكم و اصيلي را مد نظر داشته است كه مصالح و مفاسد واقعي و نفس الامري پايه و اساس آن را تشكيل مي‌دهد. اين جرايم علاوه بر آثار زيان‌بار فردي، عواقب وخيم و خطرناك اجتماعي را نيز به دنبال دارد، و با آسيب رساندن به اركان اساسي و حياتي جامعه و متزلزل نمودن آن‌ها و زير پا گذاشتن مصالح عمومي، سلامت و صيانت اجتماع را در معرض تهديد جدي قرار مي‌دهند؛ كه در نتيجه نه تنها موجب ايستايي و عدم رشد و تكامل جامعه مي‌گردند، بلكه جوامع بشري را به قهقرا و نابودي خواهند كشاند. حفظ ارزشهاي اخلاقي و كرامت انساني، حفظ كيان خانواده، بقا و تكثير نسل، حفظ سلامت انسان، حفظ حرمت نسل و جلوگيري از اختلاط آن، جلوگيري از انحراف در فطرت و طبيعت، همگي ملاك‌ها و معيارهاي اساسي هستند كه قانونگذار حكيم اسلام در جرم‌انگاری جرايم جنسي مستوجب حد به آنها نظر داشته است. از اين رو جرم دانستن اين اعمال، امري اعتباري و تعبدي محض نمي‌باشد، و با توجه به قباحت و زشتي ذاتي آنها و مفاسد نفس الامري كه اين جرايم به دنبال دارند، در هيچ شرايطي، نمي‌توان از آنها جرم‌زدايي كرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

فهرست منابع و مآخذ

- الحر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیرون، داراحیاء التراث العربی، چپ هفتم، ۱۴۰۲ هـ. ق.
- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی حدود (جرایم منای عقت)، انتشارات جاودانه، چنگل، ۱۳۹۴
- خویی، آیت ا. . . . ، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، دارالزهرا، بی تا، ج ۲، ۱۳۸۷.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، مسالک الافهام، انتشارات موسسه معارف الاسلامیه ۰ چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، انتشارات مکتبه الداوری، قم، ۱۴۱۴.
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- مراد زاده، احسان، جرایم حدی، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲
- محقق داماد، سید مصطفی، مباحثی از اصول فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چپ شانزدهم، ۱۳۹۰.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، انتشارات اعلمی ۱۳۷۹.
- مجلسی، محمد باقر، رساله حدود و قصاص و دیات، کانون انتشارت پیام حق، ۱۳۹۳.
- مکارم الشیرازی، الشیخ ناصر، انوار الفقاهه، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ق، ۱۴۱۸.
- ولیدي، محمد صالح (۱۳۷۲)، حقوق جزاي عمومي، تهران: سمت، ج۱ .
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی (جلد سوم) جرایم بر ضد مصالح عمومی کشور، انتشارات، ژوبین با همکاری انتشارات مجد، ۱۳۹۳
- حر عاملي، شيخ محمد حسن، وسائل الشيعه، جلد هجدهم، چاپ پنجم، انتشارات كتابفروشي اسلاميه، ۱۴۰۱ هـ. ق.
- نجفی ابرندآبادي، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی دوره دکتري حقوق کیفري و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷
- مرزوقي، حبيب الله (۱۳۴۴)، شعله‌هاي فساد، قم: علامه .
- نوبهار، رحیم (۱۳۷۹)، «اهداف مجازات‌ها در جرایم عفافي، در حقوق كيفري اسلام»، پايان‌نامه كارشناسي ارشد حقوق جزا و جرم شناسي، قم: دانشگاه مفيد قم .

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-07-17]